

A study of Ayatollah Makarem Shirazi's translation of the Qur'an based on the text distortion system of Antoine Berman; Case study: Jumu'ah's verses

Ebrahim Namdari, Asgar Babazadeh aghdam, Javad Khanlari, Fatemeh Mahdi

Associate Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran
Assistant Professor, University of Holy Quran sciences and knowledge, Qom, Iran

Assistant Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran
MA student, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The text of the Qur'an is one of the sensitive religious texts that, according to God Himself, has never been and will never be distorted. Therefore, considering the importance of the Qur'an in the life of Muslims, an appropriate and faithful translation to the source text should be provided to be closer to the purpose of revelation and to solve the problems of Muslims. In the field of translation, several theories have been proposed and the present study is based on descriptive-analytical method and based on the theory of French Antoine Berman. In his theory, he with utmost rigor opposes in all respects a translation that is not faithful to the source text. In this article, Ayatollah Makarem Shirazi's translation is examined based on seven tendencies of Antoine Berman's text distortion system (rationalization, clarification, expansion, ennoblement, qualitative impoverishment, quantitative impoverishment and the destruction of rhythms). The translator has the most distortion in rationalization and the least distortion in ennoblement and destruction of rhythms of the text. In some cases, his translation has suffered from qualitative and quantitative impoverishment, clarification and expansion. In general, Makarem Shirazi's translation, based on the seven tendencies of Berman, is a faithful translation to the source text.

Keywords: Holy Quran, Makarem Shirazi's translation, Antoine Berman, text distortion, Translation Criticism, Jumu'ah's verses

بررسی ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی از قرآن با تکیه بر الگوی تحریف متن آنتوان برمن (مطالعه موردی: آیات سوره جمعه)

ابراهیم نامداری*^۱، عسگر بابا زاده اقدم^۲، جواد خانلری^۳، فاطمه مهدی چهل خانه^۴

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

e.namdari@pnu.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم قرآنی خوی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

askar.babazadeh@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

khanlarix59@yahoo.com

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mahdichehelkhaneh@gmail.com

چکیده

متن قرآن از متون حساس دینی است که درک صحیح مفاهیم آن در زندگی مسلمانان، اهمیت بسزایی دارد؛ از این رو، باید ترجمه‌های متناسب و درخور با متن مبدأ و وفادار به آن ارائه شود تا نزدیک‌تر به مقصود وحی باشد و راهگشای مشکلات آنان شود. نظریات متعددی در زمینه ترجمه ارائه شده که پژوهش حاضر براساس روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر نظریه آنتوان برمن فرانسوی به نگرش درآمده است. او در نظریه خود با نهایت سخت‌گیری، مخالفت خود را در همه جهات با ترجمه‌ای که وفادار به متن مبدأ نباشد، اعلام می‌دارد. در این نوشتار، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی براساس هفت مؤلفه (عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب آهنگ متن) از مؤلفه‌های سیستم تحریف متن آنتوان برمن بررسی شده است. مترجم در زمینه عقلایی‌سازی، بیشترین و در زمینه تفاخرگرایی و تخریب ضرب آهنگ متن، کمترین میزان تحریف را دارد. ترجمه ایشان در برخی موارد، دچار اطناب کلام، شفاف‌سازی و غنازدایی کیفی و کمی شده است. به‌طور کلی ترجمه مکارم شیرازی براساس هفت مؤلفه برمن، ترجمه‌ای وفادار به متن مبدأ است.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، آنتوان برمن، تحریف متن، نقد ترجمه، سوره جمعه

۱. طرح مسئله
را خطاب قرار داده است؛ بنابراین، می‌طلبد در دسترس

همگان باشد که این مهم با ترجمه آن به زبان‌های

قرآن کریم به زبان عربی نازل شده و همه بشریت

گوناگون هموار می‌شود. حساسیت خاصی که زبان قرآن به واسطه مفاهیم ارزشمند خود دارد، ترجمه آن را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده و درنهایت بررسی کیفیت و اهمیت ترجمه‌های این کتاب مقدس نیز جایگاه خود را در میان تحقیقات صاحب‌نظران بازیافته است. در ترجمه قرآن می‌باید نهایت دقت را برای انتقال صحیح مفاهیم به کار برد و اصولی از جمله رعایت امانت، مطابقت با متن مبدأ، واژه‌گزینی، توجه به فرهنگ نویسنده و بافت رعایت شود. «اساسی‌ترین اصل، بلکه تنها اصل در ترجمه، مطابقت کامل آن با متن مبدأ در بار معنایی و مفهومی است. اگر ترجمه مطابق متن باشد، ترجمه‌ای کامل به حساب می‌آید؛ بنابراین، در ترجمه یک اثر، نخست باید ویژگی‌های بافت، موقعیت، لفظ و معنای آن اثر دریافت شود و ترجمه آن به گونه‌ای پرداخته شود که آن ویژگی را همراه داشته باشد. «پس ویژگی‌های متن، اصول ترجمه آن را شکل می‌دهد. این اصول درحقیقت، شاخه‌های همان اصل اساسی یعنی مطابقت ترجمه با متن است» (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۲۰). دانش زبان مبدأ و مقصد و شناخت ویژگی‌های هر دو زبان، ابزار ترجمه یک اثر به زبانی دیگر است. درخصوص ترجمه قرآن به زبان فارسی، دانش ادب عرب و شناخت معانی واژه‌ها و قواعد زبان فارسی، ابزار ترجمه قرآن است (همان، ص ۲۸).

یکی از مترجمان معاصر قرآن، آیت‌الله مکارم شیرازی است. او روش‌های ترجمه قرآن را به سه شیوه تقسیم کرده است؛ ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه آزاد و ترجمه هسته به هسته (جمله به جمله) و درنهایت، روش سوم را می‌پسندد و در ترجمه خویش از همین شیوه استفاده کرده است (مکارم شیرازی،

۱۳۷۳، ص ۱۴۰). در این پژوهش، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی از قرآن نقد و بررسی شده است. بی‌گمان برای تشخیص و تعیین درست از نادرست در هر اثر، معیارها و ملاک‌هایی ضروری است که مورد اتفاق همه یا بیشتر اهل فن باشد؛ بنابراین، لازم است معیارهای ترجمه درست از نادرست، معین شود تا ارزیابی‌ها بر پایه آن صورت گیرد و درنتیجه، خطاها آشکار و لغزش‌ها مشاهده و نیز امتیازها و برتری‌های یک ترجمه عیان شوند (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). با توجه به ظرافت‌های متن مقدس قرآن کریم برخی از نظریه‌پردازان ترجمه برآنند که ترجمه‌های مقصدگرا از کارایی لازم در ترجمه متون مقدس برخوردار نیستند؛ بنابراین، مترجم چاره‌ای جز این ندارد که به رویکرد مبدأگرا در ترجمه قرآن، روی آورد؛ زیرا «در این شیوه از ترجمه، اصالت به متن اصلی داده می‌شود و مترجم تلاش می‌کند تا آنجا که امکان آن فراهم باشد، ویژگی‌های زبانی، بدیعی، بلاغی و معنایی متن مبدأ را به متن مقصد انتقال دهد» (غضنفری، ۱۳۸۹، ص ۷۴). یکی از نظریه‌های نقد و ارزیابی ترجمه با تکیه بر متن مبدأ، نظریه آنتوان برمن فرانسوی است. در این پژوهش، با ملاحظه نگرش‌های آنتوان برمن، ترجمه قرآن مکارم شیرازی بررسی می‌شود. علت انتخاب ترجمه ایشان این است که دیدگاه وی در ترجمه مانند گرایش آنتوان برمن، مبنی برحفظ اصالت متن مبدأ است و شرط نقد نیز آنست که الگوی نقد با داده نقد، هم‌مسیر باشد؛ بنابراین، مطالعه موردی گفتار حاضر با محوریت سوره «جمعه» صورت می‌گیرد و نقد ترجمه سوره مذکور می‌تواند نمایی کلی از نوع ترجمه ایشان را به دست دهد؛ درنتیجه، براساس هفت مؤلفه عقلائی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناپ کلام، تفاسرگرای،

غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب آهنگ متن بررسی می‌شود؛ زیرا در بررسی ترجمه مکارم این هفت مؤلفه نمود بیشتری داشت و چه‌بسا برخی از مؤلفه‌ها، برخی دیگر را پوشش می‌دهند. در ادامه به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی در کدام یک از مؤلفه‌های نظریه برمن مطابقت بیشتری با متن اصلی دارد؟

۲- براساس کدام یک از مؤلفه‌های نقد برمن، ترجمه ایشان دچار تحریف متن شده است؟

۲- میزان وفاداری ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی به متن اصلی با توجه به معیارهای نقد برمن چقدر است؟

۲. پیشینه پژوهش

مقاله‌های زیادی بر پایه نظریه آنتوان برمن نوشته شده که به بررسی ترجمه آثار گوناگونی می‌پردازند؛ اما پژوهشی موجود نیست که به بررسی ترجمه قرآن مکارم شیرازی براساس نظریه برمن پرداخته باشد. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده مقاله‌های زیرند: مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن» (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۴) که ترجمه شهیدی از نهج البلاغه را براساس چهار مؤلفه عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب و آراسته‌سازی، بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که ترجمه شهیدی مبدأگراست و کمتر دچار تحریف متن شده است. مقاله «واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» (مسیبوق و گلزار خجسته، ۱۳۹۶) که نویسندگان براساس هفت مؤلفه عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی،

غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب آهنگ متن به بررسی ترجمه مترجم پرداخته‌اند. همچنین، مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجاده براساس نظریه آنتوان برمن» (موردی: ترجمه انصاریان) (فرهادی و دیگران، ۱۳۹۶) که به دو محور اطناب و توضیح در ترجمه انصاریان از صحیفه سجاده می‌پردازند. مقاله «گرایش‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه داریوش شاهین از نامه سی‌ویکم نهج البلاغه با تکیه بر نظریه آنتوان برمن» (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۷) که با هدف مقابله متن مبدأ و مقصد براساس مؤلفه‌های تحریف متن برمن به بررسی ترجمه نامه ۳۱ نهج البلاغه از داریوش شاهین پرداخته است. مقاله «بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه شفاف‌سازی الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی» (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸) به بررسی ترجمه سوره‌های انفال، توبه، احزاب، حجرات و تحریم براساس سیستم تحریف متن برمن پرداخته و بر آن است تا کارآمدی این الگو را در ارزیابی ترجمه قرآن بر پایه مؤلفه شفاف‌سازی در ترجمه رضایی اصفهانی بررسی کند.

۳. ضرورت تحقیق

ترجمه‌های قرآن به‌ویژه ترجمه‌های ارائه‌شده به علاقه‌مندان قرآن در دو دهه اخیر، غالباً متین و استوارند؛ ولی نه همه آنها در یک سطح‌اند و نه از خطاها و لغزش‌ها پیراسته بوده‌اند. دفاع از ساحت قرآن کریم می‌طلبد که ترجمه‌ها بررسی و موارد لغزش گزارش شوند؛ باشد که به نقطه مطلوب، یعنی ترجمه‌ای پیراسته از خطا نزدیک شویم (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۲۴). آیت‌الله مکارم شیرازی بر روان، گویا

ص ۷۵) تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، تفاخرگرایی، همگون‌سازی متن، تخریب ضرب آهنگ، تخریب شبکه‌های معنایی پنهان در متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های زبانی زبان‌های محلی، تخریب سامانه زبانی و تخریب اصطلاحات.

از نظر آنتوان برمن، ترجمه بد ترجمه‌ای است که معمولاً به بهانه انتقال‌پذیری، به انکار نظام‌مند غرابت اثر بیگانه می‌پردازد و به باور او، یکنواخت‌سازی در ترجمه، خیانت به فرهنگ است و در واقع توانایی نداشتن با بیگانه و زبان آن است (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۴). نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن نظریه‌ای است با ساختار درونی منسجم و مستحکم و در عین حال، اندیشیده شده و پخته. هدف، انتقادکردن از آن دسته رویکردهایی در ترجمه است که با نادیده‌گرفتن «دیگری»، فرهنگ و زبان وی در متن بیگانه سعی در ارائه ترجمه‌های قوم‌محور و معطوف به خواننده دارند. برمن معتقد است نظریه او جهان‌شمول است و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

۵. تحلیل و بررسی

اینک در هفت مؤلفه انتخابی از مؤلفه‌های نظریه آنتوان برمن، ابتدا به توضیح نظریه، پرداخته و سپس با تحلیل ترجمه آیات سوره جمعه برای هر کدام از مؤلفه‌ها شاهد مثالی، آورده و میزان تحریف‌شدن یا نشدن متن در ترجمه هر کدام از آیات سنجیده می‌شود.

و در عین حال، دقیق و محکم بودن ترجمه پافشاری می‌کند و یادآور می‌شود در ترجمه قرآن، از زبان روزمره توده مردم استفاده کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱). با توجه به اقبال و توجهی که نسبت به ترجمه آسان و درخور فهم ایشان دیده می‌شود، بررسی و تحلیل این ترجمه با هدف دریافت میزان مطابقت آن با متن اصلی ضروری است و با توجه به تأکید آنتوان برمن بر مطابقت ترجمه با متن، این نظریه در ارزیابی ترجمه مکارم شیرازی از قرآن انتخاب می‌شود.

۴. نگاهی بر نظریه آنتوان برمن

آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) مترجم، نظریه‌پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار ترجمه است. او با تأثیر از فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین و هانری مشونیک، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد. نقد ترجمه، آنگونه که برمن ارائه می‌کند، حاصل خوانش و تفکر و به نقد ادبی بسیار نزدیک است. محور دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و به این دلیل با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» به دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد در کار ترجمه انتقاد می‌کند و می‌سنجد. او هرگونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از جمله عوامل تحریف متن بر می‌شمارد (افضلی و داتویر، ۱۳۹۸، ص ۱۲). برمن معتقد است: «هر متنی دارای بخشی ترجمه‌ناپذیر است که گاهی محدود به شعر می‌شود؛ اما می‌تواند در متن فنی و تکنیکی هم وجود داشته باشد» (الخطابی، ۲۰۱۰، ص ۶۴). این سامانه از سیزده عامل (همان،

۵-۱. عقلایی‌سازی

عقلایی‌سازی مربوط به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدأ است. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جمله‌ها و زنجیره آنها را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم در می‌آورد. برمن معتقد است نثر از قبیل رمان، رساله و ... به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جمله‌های موصولی و معترضه، عبارت‌های بلند و جملات بدون فعل، دارای ساختاری شاخه‌شاخه است و مترجم با عقلایی‌سازی، این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند؛ برای مثال، مترجم برای سخنانی که در متن مبدأ بدون فعل‌اند، فعل می‌آورد؛ جمله‌های بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح آنها را می‌شکند یا عبارت‌های معترضه را جابه‌جا یا اضافه و کم می‌کند. درحقیقت، برمن فرایند عقلایی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۵۹). منطقی‌سازی کلام از جمله بایسته‌های اصلی مترجمی است که می‌خواهد متنی را از عربی به فارسی و برعکس برگرداند؛ زیرا ساختارهای این دو زبان باهم تفاوت بسیاری دارند. پس در تغییرات اجباری که مترجم در فرایند ترجمه بین دو زبان انجام می‌دهد، پذیرفتنی است؛ اما گاهی ممکن است مترجم تغییراتی دهد که به لحاظ ساختار طبیعی زبان، ضرورت نداشته باشد یا برای روانی و ساده‌کردن متن ترجمه برای مخاطبان زبان مقصد ناچار باشد برخی مؤلفه‌ها را نادیده بگیرد؛ هرچند نظریه‌پرداز با آن مخالف باشد، که در این بحث منظور ماست؛ به‌طور مثال، در آیات زیر نمونه‌هایی از عقلایی‌سازی در ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی ذکر می‌شود:

الف: ترجمه با توجه به موقعیت نحوی کلمه: آیت‌الله مکارم شیرازی در ترجمه آیه زیر به جایگاه نحوی کلمات توجه داشته و ترجمه ایشان براساس موقعیت نحوی کلمات در زبان مبدأ است و برای فهم پذیرش در ترجمه دست به تغییراتی در ساختار اصلی جملات می‌زند:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ * ﴿وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جمعه: ۲-۳)

«و کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!» و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او عزیز و حکیم است». با توجه به اینکه کلمه «أَخْرَجَ» به دلیل عطف بر «الْأُمِّيِّينَ» در موضع خفض قرار دارد (النحاس، ۲۰۰۸، ص ۱۱۴۹)، برای رفع ابهام در ترجمه این جمله، به این نکته نحوی، توجه و در ترجمه ذکر شده است که رسول، برای دیگرانی نیز هست که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ البته خاطر نشان می‌شود مقصود از تغییر و تحریف، تغییر و تحریف در معنا نیست و اصلاً تحریف در پیام متن به وجود نیامده است؛ بلکه مقصود جابه‌جایی ساختار نحوی است که گاهی مترجم با رعایت این اصل براساس زبان مقصد به روانی ترجمه کمک کرده است و یک حسن به حساب می‌آید.

ترجمه پیشنهادی: «و (نیز) در میان گروه‌های دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند (رسولی از

خودشان برانگیخت)؛ و او عزیز و حکیم است».

ب: جابه‌جایی فعل و فاعل در ترجمه: ساختار جمله فعلیه در زبان عربی اینگونه است: فعل + فاعل + مفعول: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ...﴾ (جمعه: ۲)؛ اما در زبان فارسی ترکیب این جمله چنین است: فاعل + مفعول + فعل: و کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت. در اینجا ترجمه تحت‌اللفظی نیست؛ بلکه آزاد یا تفسیری است؛ معمولاً ساختار جمله در ترجمه تحت‌اللفظی از دستور عربی و در ترجمه جمله به جمله یا ترجمه آزاد تفسیری از دستور زبان فارسی پیروی می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۹۶). پیش‌تر گفته شد ترجمه مورد بحث، از نوع ترجمه جمله به جمله است، پس از دستور زبان فارسی پیروی کرده و دچار عقلایی‌سازی شده است؛ برای مثال، در این آیه:

﴿يَسِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (جمعه: ۱) «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند؛ خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا و عزیز و حکیم است».

فعل «يَسِّحُ» با مفعول آن «لِلَّهِ» که در قالب جار و مجرور آمده، در متن مبدأ، اول جمله آمده است؛ ولی در ترجمه فارسی در آخر جمله آورده شده است. در این مورد، براساس برابری متن مقصد و مبدأ، قاعدتاً مترجم ابتدا فعل را ترجمه می‌کند و سپس متعلق فعل را؛ اما همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد گاهی عدول از این اصل به سبب تناسب با ساختار زبان مقصد و روانی ترجمه، ترجیح داده می‌شود و نیز مقصود، تحریف پیام متن مبدأ نیست؛ بلکه تغییر در ساختار

نحوی دو زبان است.

ترجمه پیشنهادی: «همواره تسبیح خدا می‌گویند آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است؛ خداوندی که مالک است و از هر عیبی مبرا و عزیز و حکیم است». ج: تبدیل صفت جمع به مفرد: در زبان عربی، صفت و موصوف در جمع و افراد با همدیگر تطابق می‌کنند، برخلاف زبان فارسی (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۹۵). بر اساس این، در آیه ﴿... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) صفت «الظَّالِمِينَ» که جمع است (به اعتبار معنای کلمه «القوم» که اسم جمع است) در ترجمه (به اعتبار مطابقت‌ناداشتن صفت و موصوف از نظر عدد) در زبان فارسی به صورت مفرد آورده می‌شود. «و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۵۳).

د: تبدیل جمله به اسم: عبارات وصفی که با کلمه «الَّذِينَ» شروع می‌شود، به دو صورت ترجمه می‌شوند: نخست آنکه طبق لفظ به صورت عبارت و جمله ترجمه شود و دوم آنکه به صورت کلمه‌ای معنا شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۹۶). طبق نظریه آنتوان برمن، تبدیل جمله به کلمه باعث تحریف در متن می‌شود؛ چنانکه در ترجمه آیه می‌بینیم: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶) «بگو: ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!». مترجم در این آیه به جای «ای کسانی که یهودی شده‌اید» که یک جمله است از کلمه «ای یهودیان» استفاده کرده است؛ بنابراین، ساختار جمله فعلیه را به صورت اسمی تغییر داده است که از نظر برمن، جزو تحریفات به

حساب می‌آید.

ترجمه پیشنهادی: «بگو: ای کسانی که یهودی شده‌اید! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدا هستید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست‌گویید!».

ه: تبدیل اسم به فعل: در آیه ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶) بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!» کلمه «صادقین» که یک اسم است در ترجمه به فعل «راست می‌گویید» تبدیل شده است.

ترجمه پیشنهادی: «بگو: ای کسانی که یهودی شده‌اید! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدا هستید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست‌گویید!».

نمونه‌ای دیگر در ترجمه کلمه «علیم» در آیه ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۷) «ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند؛ و خداوند ظالمان را به خوبی می‌شناسد».

ترجمه پیشنهادی: «و آنان هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند، به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند و خداوند بسیار آگاه به ظالمان است».

مترجم در نمونه‌های ذکر شده، به‌ناچار دچار این نوع تحریف شده است. شایان ذکر است نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن نظریه‌ای است با ساختارهای درونی منسجم و مستحکم و در عین حال اندیشیده‌شده و پخته. هدف، انتقادکردن از آن

دسته رویکردهایی در ترجمه است که با نادیده‌گرفتن «دیگری»، فرهنگ و زبان وی در متن بیگانه سعی در ارائه ترجمه‌های قوم‌محور و معطوف به خواننده دارند. برمن معتقد است نظریه او جهان‌شمول است و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد. کاربرد نظریه او در نقد ترجمه فارسی به دلایل متعدد کاملاً امکان‌پذیر و در عین حال، فایده‌مند است (نک: احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

۵-۲. شفاف‌سازی

شفاف‌سازی، به‌نوعی به فرآیند عقلایی‌سازی مربوط می‌شود؛ با این تفاوت که عقلایی‌سازی در سطح ساختار نحوی جمله‌ها صورت می‌گیرد، اما شفاف‌سازی مربوط به روشنگری در سطح معنا است. بر طبق این نظریه، مطلبی که در متن اصلی به صورت «تعریف‌نشده» مطرح شده است، در متن مقصد به صورت «تعریف‌شده» در می‌آید؛ یعنی اینکه مترجم با افزودن کلمه یا کلماتی به متن، دست به روشن‌ساختن متن می‌زند؛ البته شایان ذکر است برمن بر وابستگی عمل ترجمه به شفاف‌سازی صحه می‌گذارد؛ اما مخالفت برمن به فروکاستن «چندمعنایی» به «تک‌معنایی» و شرح و توضیح مواردی مربوط می‌شود که گوینده در متن اصلی نمی‌خواسته است روشن باشد و نیز به حشو و افزودن واحدهای معنایی که به اطناب کلام منجر می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

شفاف‌سازی نتیجه منطقی‌سازی است و به‌طور خاص، سطح «وضوح» کلمات و معانی آنها را مدنظر قرار می‌دهد. در مواردی که متن اصلی مشکلی با ابهام ندارد، زبان ادبی ما تمایل دارد وضوح را به آن تحمیل

البته آنتوان برمن چنین ترجمه‌ای را شفاف‌سازی به معنای تحریف در متن نمی‌داند (الخطابی، ۲۰۱۰، ص ۷۹)؛ مانند نمونه زیر:

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (جمعه: ۱۱) «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند، پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است». کلمه «انفَضُّوا» به معنای «تفرَّقوا» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۴۰)؛ یعنی «پراکنده شدند»؛ ولی در این آیه با کلمه «إِلَيْهَا» آمده که دربردارنده معنایی بیشتر است و لازم است فعل «می‌روند» در ترجمه اضافه شود.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) «کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند؛ مانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کند (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثال بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند». مترجم در اینجا به توضیح جمله «کسانی که مانند درازگوش به تورات مکلف شدند، ولی حق آن را ادا نکردند» پرداخته و داخل پراتز چنین آورده است که یعنی (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد)؛ بنابراین، توضیح او به شفاف‌سازی سخن منجر می‌شود.

کند. شفاف‌سازی برای بسیاری از مترجمان و مؤلفان، اصلی ناگزیر به نظر می‌رسد. درست است که شفاف‌سازی ملازم ترجمه است، به این اعتبار که هر ترجمه‌ای توضیح به‌شمار می‌رود، اما این مسئله می‌تواند دال بر دو مطلب باشد: نخست آنکه توضیح می‌تواند آشکارسازی مطلبی باشد که آشکار نیست؛ اما در متن اصلی به‌عمد پنهان شده است و دوم اینکه ترجمه با شفاف‌سازی، این عنصر پنهان‌شده را افشا می‌کند (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۸).

این مورد از سیستم تحریف متن آنتوان برمن، به‌ندرت در ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی وجود دارد؛ البته ایشان در همان موارد اندک هم توضیحات را در کمانک قرار داده است تا خواننده متوجه اضافه‌بودن آن قسمت از ترجمه شود؛ مانند آیات زیر:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (جمعه: ۲) «او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (جمعه: ۴) «این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است».

مواردی هم وجود دارد که مترجم در آن ناچار به شفاف‌سازی می‌شود و آن زمانی است که یک کلمه در زبان عربی معادلی در فارسی ندارد و تنها راه رساندن مفهوم کامل آن کلمه، استفاده از چند کلمه است که

۳-۵. اطناب کلام

برمن نیز همانند تمام مترجمان و نظریه‌پردازان، واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی‌اش طولانی‌تر است. برمن این اطناب کلام را حاصل دو فرآیند نخست، یعنی عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی می‌داند. او معتقد است مترجم ایده فشرده متن مبدأ را باز می‌کند و این کار را «تهی‌شدگی» می‌نامد که تأثیری در غنابخشیدن به جان کلام ندارد؛ از این روی، بر آن جمله معروف خود (افزوده هیچ نمی‌افزاید) تأکید می‌کند و افزوده را صرفاً در جهت انباشته‌کردن حجم متن و بی‌ثمر می‌داند. به اعتقاد او، اطناب کلام پایه زبان‌شناختی ندارد و گرایشی جدانشدنی از ترجمه شده است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۰). اطناب، ادای مقصود با عباراتی بیشتر از عبارات مألوف است (التفتازانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹). اطناب در ترجمه مکارم شیرازی بسیار کم است. ایشان اصراری بر زیاده‌گویی و توضیح متن اصلی را ندارد و موارد معدودی می‌توان یافت که در آن علاوه بر ترجمه یک کلمه به بیان مترادف آن یا توضیح آن یا توضیح یک جمله پرداخته باشد:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (جمعه: ۱) «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند؛ خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا و عزیز و حکیم است». در اینجا مترجم واژه‌های «مالک و حاکم» - که به نوعی مترادف هم‌اند - را در برابر واژه «الملک» قرار داده و همین‌طور دو واژه «مبرا از عیب و نقص» را معادل واژه «القدوس» در نظر گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: «همواره تسبیح خدا می‌گویند

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است؛ خداوندی که مالک است و از هر عیبی مبرا و عزیز و حکیم است». «او گاهی هم به توضیح یک مفهوم می‌پردازد و البته آن را داخل پراتنز قرار می‌دهد:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶) «بگو: ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!». تحلیل و برداشت مفهومی مترجم در آیه (تا به لقای محبوبتان برسید) نیز در توضیح و رفع ابهام از مفهوم کلی تأثیرگذار است و نوعی اطناب به حساب می‌آید. ترجمه پیشنهادی: «بگو: ای کسانی که یهودی شده‌اید! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدا هستید، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست‌گویید!».

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (جمعه: ۱۰) «و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید)، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید». اضافه توضیحی (شما آزادید) برای جمله «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ» آنگاه که نماز پایان گرفت، در مقوله اطناب جای دارد.

ترجمه پیشنهادی: «آنگاه که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید».

۴-۵. تفاخرگرایی

برمن این گرایش را گرایشی «افلاطونی» می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را

خدا را انکار کردند؛ چه بد است مثال گروهی که آیات خدا را انکار کردند».

همچنین، در ترجمه آیه زیر از عبارتی کنایه‌ای و تمسخرآمیز دربارهٔ یهودیانی استفاده کرده است که فقط خودشان را دوستان خدا می‌دانند که نمونه‌ای از تفاخرگرایی است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶)
 بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!».

ترجمه پیشنهادی: «بگو: ای کسانی که یهودی شده‌اید! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدا هستید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست‌گویید!».

۵-۵. غنازدایی کیفی

بنا بر عقیده برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ‌وخم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی و آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای هر مترجمی باشد. هر زبانی، با توجه به ساختار و کلمات و آواهای موجود در آن، دارای کلمات و بازی‌های کلامی‌ای است که بار معنایی و تصویرسازی خاص خود را دارد و برگرداندن آنها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بشود با شباهت‌های آوایی آنها مانور داد؛ اما همواره چنین شانس وجود ندارد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی در می‌آوردند. برمن تفاخرگرایی را در نظم «شاعرانه کردن» و در حوزهٔ نثر «بلیغ کردن» می‌خواند و آن را شامل «تولید جملات فاخر، با بهره‌گرفتن از متن اصلی، به‌عنوان ماده اولیه» تعریف می‌کند. در واقع او کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً به دلیل خوانا، برجسته و فاخر بودن متن مقصد - آن هم به بهانهٔ انتقال بهتر معنا - به متن اصلی توجهی نمی‌کنند و دست به بازنویسی و تمرین سبکی از (و به ضرر) متن اصلی می‌زنند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی از آن نظر که ترجمهٔ قرآن را برای عموم مردم نوشته، از عبارات ساده و روزمره معمولی مردم استفاده کرده است. تفاخرگرایی در ترجمهٔ ایشان بسیار کم است؛ برای مثال، در ترجمه آیه زیر تفاخرگرایی وجود دارد:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) «کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کند (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثال بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند». در ترجمهٔ کلمه «الحمار» به جای واژه‌های معمول «الاغ» یا «خر» واژهٔ ادبی «درازگوش» را استفاده کرده است.

ترجمهٔ پیشنهادی: «مثل کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند الاغی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد)؛ گروهی که آیات

که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کند (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثال بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. افعال مدح و ذم افعالی‌اند که برای ایجاد مدح و ذم به روش مبالغه وضع شده‌اند (الشرتونی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۹). کلمه «بئس» در این آیه از افعال ذم است و باید معنای نکوهش با مبالغه در ترجمه آن مشاهده شود که چنین نیست.

ترجمه پیشنهادی: «چه بد است مثال گروهی که آیات خدا را انکار کردند».

۶-۵. غنازدایی کمی

در این نوع تحریف، سخن از هدررفتن واژگانی است. برمن معتقد است گاهی برای یک مدلول چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به «غنازدایی کمی» منجر می‌شود. مثل اینکه نویسنده‌ای در اثر خود برای مدلول «صورت» از دال‌های «قیافه»، «رخ»، «چهره» و «سیما» استفاده کند؛ در این صورت، ترجمه دال‌های مختلف به یک دال واحد، بدون در نظر گرفتن قصد واقعی نویسنده در استفاده از آنها، همان تحریفی است که برمن از آن به‌عنوان «غنازدایی کمی» یاد می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۱). غنازدایی کمی در ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی بسیار کم است. او در بیشتر موارد تمام کلمات و حروف موجود در آیه را به‌طور کامل ترجمه کرده است؛ مانند مورد زیر:

کلمه «ما» و حرف «فی» دو بار در متن آیه آمده و هر دو بار ترجمه شده‌اند: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (جمعه: ۱)

به دلیل وجود کلمات مشترک و مستعمل میان زبان عربی و فارسی، می‌توان برخی کلمات را به همان صورت که در آیات آورده شده‌اند، در ترجمه آورد. مترجم مدنظر به این موضوع توجه داشته و در آیاتی که امکان داشته، هماهنگی کلمات متن مبدأ و مقصد را حفظ کرده و از این نوع تحریف در امان مانده است؛ مانند آیات زیر:

﴿وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَأً يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جمعه: ۳) «و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او عزیز و حکیم است».

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (جمعه: ۴) «این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است». در اینجا مترجم با ترجمه اسم اشاره دور که نشان از تعظیم و تفضیح دارد، به اسم اشاره نزدیک (این) دست به غنازدایی کیفی زده است؛ همان‌طور که معرفه آمدن خبر نیز دلالت بر حصر دارد و جزو مؤلفه غنازدایی کیفی است.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (جمعه: ۱) «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا و عزیز و حکیم است».

موارد اندکی وجود دارند که بار معنایی متن مبدأ به‌طور کامل و دقیق در ترجمه رعایت نشده است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) «کسانی

فرار می‌کنید، سرانجام حتماً آن با شما ملاقات خواهد کرد».

در آیه زیر، دوبار کلمه «مَثَل» و یک‌بار حرف «ك» به معنای «مانند» آورده شده است؛ اما در ترجمه فقط یک‌بار بیان شده است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِمَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) «کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کند (آن را بر دوش می‌کشد، اما چیزی از آن نمی‌فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثال بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند». ترجمه پیشنهادی: مثل کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند مثل الاغی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند.

ضمیر «ه» در کلمه «يُؤْتِيهِ» ترجمه نشده است: ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (جمعه: ۴) «این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بدانند) می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است».

ترجمه پیشنهادی: این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می‌بخشد.

۵-۷. تخریب ضرب آهنگ

برمن معتقد است رمان و مقالات ادبی نیز به نوعی، همانند شعر، دارای ضرب آهنگ است. او در این خصوص بیشترین توجه را به نشانه‌گذاری معطوف می‌دارد و معتقد است نادیده گرفتن نشانه‌گذاری باعث تغییر در ضرب آهنگ و تحریف متن می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۱). اگرچه در آیات قرآن

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند؛ خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبراً و عزیز و حکیم است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۵۳).

به مواردی از غنازدایی کمی در ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره می‌شود:

در این آیه مترجم به سبب وجود حرف عطف میان دو کلمه «مِنَ اللَّهْوِ» و «مِنَ التَّجَارَةِ» از ترجمه حرف تکراری «مِن» چشم‌پوشی کرده که از نظر برمن، نوعی از غنازدایی کمی است: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (جمعه: ۱۱) «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند، پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست، بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است».

ترجمه پیشنهادی: «بگو: آنچه نزد خداست، از لهو و از تجارت بهتر است».

در ترجمه کلمه «إِنَّ» که بر تأکید معنای جمله دلالت دارد، در این آیه غنازدایی کمی صورت گرفته است. ﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (جمعه: ۸) بگو: «این مرگی که از آن فرار می‌کنید، سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است، بازگردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید، خبر می‌دهد».

ترجمه پیشنهادی: بگو: «قطعاً این مرگی که از آن

۶. نتیجه‌گیری

ترجمه قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی، به دلیل وجود تفاوت‌های زبانی میان دو زبان عربی و فارسی و به تبع آن، به دلیل تفاوت جایگاه اجزای جمله در عربی و فارسی، به‌ناچار در تمام آیات سوره جمعه، دچار عقلایی‌سازی شده است. بعد از عقلایی‌سازی، بیشترین موارد تحریف در مؤلفه غنازدایی کمی است. مترجم به دلیل جلوگیری از تکرار، در ترجمه بعضی آیات، از ترجمه کلمات مشابه و تکراری خودداری کرده است. قرآن کتابی است که در بیشتر آیات، مطالب را مختصر و مفید بیان کرده است؛ ازاین‌رو، خواننده در بعضی مواقع به توضیح نیاز دارد. مترجم نیز با توجه به این نیاز، در بعضی از موارد، دچار شفاف‌سازی و گاهی اطناب شده است؛ البته ایشان با قراردادن مطالب توضیحی در کمانک، شرط وفاداری به متن مبدأ را در ترجمه حفظ کرده است. مترجم در بیشتر موارد تلاش کرده است در ترجمه، مفاهیم موجود در آیه را به‌طور کامل و بدون کم و زیاد بیاورد؛ با این حال، به‌ندرت در ترجمه ایشان غنازدایی کیفی مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد در این موارد اندک نیز قصد مترجم ارائه ترجمه روان و ساده است. مترجم در بیشتر موارد از ترجمه کلماتی که در زبان فارسی کاربرد دارند، خودداری کرده است؛ در حالی که می‌توانست به زبان فارسی ترجمه کند؛ اما ایشان تعصب قوم‌گرایانه برای استفاده از زبان مقصد ندارد. ترجمه ایشان از تفاخرگرایی و تخریب ضرب آهنگ کلام مصون بوده است.

علائم سجانندی وجود ندارد، با توجه به مفاهیم جملات می‌توان همسو با ضرب آهنگ آیات از ویرگول، نقطه، نقل قول و ... استفاده کرد؛ کاری که مترجم به‌خوبی آن را انجام داده است:

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (جمعه: ۱۱) «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند، پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست، بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است». در ترجمه آیه فوق، خطاب خداوند به پیامبر، داخل گیومه قرار گرفته و بعد از علامت نقل قول آمده است. همین‌طور قبل از مقطع آخر آیه یعنی «و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است»، کاما قرار داده است.

جدول موارد تحریف آیات سوره جمعه، در هفت مؤلفه از سیستم

تحریف متن برمن

مؤلفه آیه	عقلایی سازی	شفاف سازی	اطناب کلام	تفاخرگرایی	غنازدایی کیفی	غنازدایی کمی	تخریب ضرب آهنگ
۱	*		*				*
۲	*	*					
۳	*						
۴	*	*			*		
۵	*	*	*	*	*		
۶	*	*	*	*			
۷	*						
۸	*				*		
۹	*						
۱۰	*	*	*				
۱۱	*	*			*	*	*

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. محقق: جمال‌الدین میردامادی. ج ۷. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- احمدی، محمدرحیم. (۱۳۹۲ش). آنتوان برمن و نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه. «نقد زبان و ادبیات خارجی»، ۶ (۱۰)، ۱-۱۹.
- افضلی، علی. و داتوبر، مرضیه. (۱۳۹۸ش). ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار مولانا براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: کتاب مختارات من دیوان شمس‌الدین تبریزی اثر ابراهیم الدسوقی شتا). فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۶۱ (۶۵)، ۹-۲۸.
- التفتازانی، سعدالدین. (۱۳۷۶). مختصر المعانی. چاپ سوم. قم: دار الفکر.
- الخطابی، عزالدین. (۲۰۱۰). أنطوان برمن. الترجمة و الحرف أو مقام البعد. چاپ اول. بیروت - لبنان: المنظمة العربية للترجمة.
- دلشاد، شهرام. مسبوق، سیدمهدی. و بخشش، مقصود. (۱۳۹۴). نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲ (۴)، ۹۹-۱۲۰.
- رحیمی خوبگانی، محمد. (۱۳۹۷). گرایش‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه داریوش شاهین از نامه سی‌ویکم نهج البلاغه با تکیه بر نظریه آنتوان برمن. «مطالعات ترجمه قرآن و حدیث»، ۵ (۱۰)، ۴۷-۸۵.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱ش). آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه قرآن (خلاصه کتاب
- منطق ترجمه قرآن). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله).
- الشرتونی، رشید. (۱۳۹۱ش). مبادئ العربية فی الصرف و النحو. ج ۴. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات اساطیر.
- صفوی، محمدرضا. (۱۳۹۱ش). تقلدآموزی ترجمه‌های قرآن. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج) مرکز تخصصی مهدویت.
- غضنفری، محمد. (۱۳۸۹ش). نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبان‌شناسی نقشی - سازگانی و دشواری ترجمه این گونه عناصر. مطالعات زبان و ترجمه، ۴۲ (۲)، ۵۸-۷۷.
- فرهادی، محمد. میرزایی الحسینی، سیدمحمود. و نظری، علی. (۱۳۹۶). نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷ (۱۷)، ۳۱-۵۳.
- مسبوق، مهدی. و گلزار خجسته، ابودر. (۱۳۹۶). واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن. فرهنگ رضوی، ۵ (۱۹)، ۱۰۵-۱۲۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن کریم - مکارم شیرازی. تحقیق و تصحیح: هیئت علمی دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی محمدرضا انصاری و دیگران. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- (۱۳۷۳ش). پیرامون ترجمه قرآن. بیانات، ۱ (۱)، ۱۴۲-۱۴۰.
- مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹ش). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف

- Lebanon: al-Munaddamah al-Arabiah li Tarjimah. متن از نظر آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ۴۱ (۱۵۵)، ۵۷-۶۳.
- Delshad, Shahram. Masbouq, Seyed Mehdi and Bakhshesh, Maqsoud. (2015). Critique of Shahidi translation of Nahj al-Balaghah based on Antoine Berman's theory of deforming tendencies. *Quran and Hadith Translation Studies*, 2 (4), 120-99.
- Rahimi Khoigani, Mohammad (2018). "Deforming tendencies in Dariush Shahin's translation of the thirty first letter of Nahj al-Balaghah based on the theory of Antoine Berman". *Quran and Hadith Translation Studies*, 5 (10), 85-47.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (2012). *Familiarity with the principles and methods of translating the Qur'an (summary of the book: logic of translating the Qur'an)*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.
- Al-Shertoni, Rashid (2012). *Mabadi al-Arabiah fi al-Sarf wa al-Nahw*. Vol. Four. Sixteenth edition. Tehran: Asatir Press.
- Safavi, Mohammad Reza (2012). *Criticism of Quranic translations*. Qom: Hazrat Mahdi Cultural institute, Mahdism specialized center.
- Ghazanfari, Mohammad (2010). A look at the lexical repetitions of the Qur'an from the perspective of systemic functional linguistics and the difficulty of translating such elements. *Language Studies and Translation*, 42 (2), 77-58.
- Farhadi, Mohammad Mirzaei Al-Husseini, Seyed Mahmoud and Nazari, Ali. (2017). Critique and study of redundancy and explanation متن از نظر آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ۴۱ (۱۵۵)، ۵۷-۶۳.
- النحاس، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۸م). *إعراب القرآن*. محقق: الشيخ خالد العلی. چاپ دوم. بیروت: دار المعرفه.
- نیازی، شهریار. و هاشمی، انسیه سادات. (۱۳۹۸ش). بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۲ (۴)، ۱۹۳-۱۶۱.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. (1993). *Lisan al-Arab*. Researched by Jamal al-Din Mirdamadi. Beirut: Dar al-Fikr li al-tibaha wa al-nashr wa al-touzi.

Ahmadi, Mohammad Rahim (2013). Antoine Berman and Theory of "deforming tendencies"; Introducing and examining its applicability in translation criticism". *Journal of Critique of Foreign Language and Literature*, 6 (10), 19-1.

Afzali, Ali and Datober, Marzieh. (2019). Qualitative evaluation of the Arabic translation of Rumi's poems based on the theory of Antoine Berman (Case Study: The Book of Mukhtarat Min Diwan Shamsuddin Tabrizi by Ibrahim Al-Desouki Sheta). *Journal of Literary Research*, 61 (65), 28-9.

Al-Taftazani, Sa'ad al-Din (1997). *Mukhtasar al-Ma'ani*. Third edition. Qom: Dar al-Fikr.

Al-Khitabi, Izz al-Din (2010). *Antoine Berman, al-tarjimah wa al-hiraf ao magham al-bu'd*. First Edition. Beirut

- translation of the Quran. *Bainat*, 1 (1), 142-140.
- Mahdipour, Fatemeh. (2010). A look on the emergence of translation theories and the study of the text distortion system by Antoine Berman. *Kitab mah adabiat*, 41 (155), 63-57.
- Al-Nahhas, Abu Ja'far Ahmed bin Muhammad bin Ismail. (2008). *I'irab al-Quran*. Researched by Sheikh Khalid Al-Ali. second edition. Beirut: Dar Al-Ma'arefah.
- Niazi, Shahriar. and Hashemi, Ensiyeh Sadat. (2019). Investigating the effectiveness of "Clarification" of the Berman model in evaluating the translation of the Qur'an; case study: Rezaei Isfahani's translation. *Language Studies and Translation*, 52 (4), 193-161.
- in translation of Sahifa Sajjadih based on the theory of Antoine Berman (Case study: Ansarian's translation). *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 7 (17), 53-31.
- Masbouq, Mehdi and Golzar Khojasteh, Abu Dhar. (2017). Analysis of Pourebadi's translation of Razavi ahadis based on Antoine Berman's text distortion system. *Razavi Culture*, 5 (19), 121-105.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2001). *Translation of the Holy Quran - Makarem Shirazi*. Researched by Faculty of the Holy Quran, Office of Islamic History and Education, Mohammad Reza Ansari and others. Tehran: Office of History and Islamic Studies.
- _____ (1994). About the